

جهانی شدن و تهدیدهای جدید

این روزها به هر نشریه و رسانه‌ای که مراجعه کنیم، مقاله‌ای، تحلیلی یا خبری از «جهانی شدن» و مبارزات جهانی در برابر آن مشاهده می‌کنیم. و این روندی است که در رسانه‌های ما از سال گذشته آغاز و به‌طور مرتب‌گسترش یافته است.

نگرش جهانی، چالش امروز جامعه ماست.

سوال می‌شود که جهانی شدن چیست؟ و چرا و چگونه گسترش یافته؟ آیا جهانی شدن مرحله‌ی نوینی از تاریخ بشری یا ادامه‌ی روندهای پیشین است؟

عقیده‌های متفاوتی در این زمینه وجود دارد. عده‌ای عقیده دارند پدیده‌ی جهانی شدن در دوران استعمار ظهور یافته و همراه با گسترش و جهان‌گیر شدن دول استعمارگر به‌رشد خود ادامه داده است. برخی دیگر بر این عقیده‌اند که جهانی شدن پدیده‌ای جدید است که بعد از شکست اردوگاه سوسیالیسم در جنگ سرد پدیدار شد و در واقع به‌معنای جهان‌گیر شدن تنها ابرقدرت به‌جای مانده از جنگ سرد با نظم نوین جهانی‌اش است و گروه سوم بر این باوراند که در اثر انقلاب علمی - فنی و رشد جهشی نیروهای مولده تولید، وارد مرحله و تمدنی تازه در زندگی بشری شده‌ایم.

جهانی شدن فرایند یک‌پارچگی همه‌ی انسان‌ها و ملت‌ها در بازاری جهانی است که به‌وسیله‌ی سرمایه‌ی جهانی اداره می‌شود. از همین رو آن را «جهانی شدن اقتصادی» و یا «جهانی شدن شرکتی» هم می‌نامند. جهانی شدن به‌آن معنی است که دولت‌ها باید نقش خود را در امور اقتصادی کنار بگذارند و همه چیز باید به‌سازوکار بازار و به‌معنی دقیق‌تر، شرکت‌های غول پیکر حاکم بر بازار سپرده شود. تمامی مانع‌هایی که محدودیتی برای گسترش بازارهای به‌اصطلاح «آزاد» ایجاد می‌کند، از جمله بخش‌های عمومی و دولتی، تعرفه‌های گمرکی و غیره باید از میان برداشته شود، همه چیز از آموزش گرفته تا هنر، کالا قلمداد شود و در دایره‌ی تجارت قرار گیرد و نقش دولت‌ها تا تنظیم‌کننده و هماهنگ‌کننده‌ی امور در این چارچوب کاهش یابد.

پیش برد این سیاست هم اکنون به سازمان تجارت جهانی WTO سپرده شده که در واقع نقش یک دولت جهانی را ایفا می کند و همه ی ابزار و لوازم حکومتی، مانند ارگان قانون گذاری، قوه ی مجریه و قوه ی قضاییه منسجم و مقتدری را در درون خود فراهم آورده است.

این سازمان به همراه دو سازمان قدرتمند جهانی دیگر به نام های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، فرایند جهانی سازی را راهبری می کند. هدف این سازمان ها که توسط صاحبان شرکت های غول پیکر فراملی اداره می شوند، گسترش بازارهای اقتصادی برای شرکت های جهانی و تأمین سود و توسعه ی آنها است. چون این شرکت ها نه به وسیله ی آرای مردم انتخاب شده اند و نه در پی منافع مردم اند، تأمین اقتدارشان بر سرنوشت انسان ها در واقع چیزی جز فروپاشی لیبرالیسم - به معنی واقعی کلمه - نمی تواند باشد اگرچه با نام نئولیبرالیسم مزین شده باشد.

یکی از ویژگی های جهانی شدن، رشد غیر قابل تصور سرمایه ی مالی است. توجه به چند آمار ارایه شده از طرف سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ شتاب این رشد را بازتاب می دهد:

در سال ۱۹۹۸ این گردش به میزان ۱۵۰۰ میلیارد دلار رسید. و وام بین المللی بانکی از ۲۶۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵ به ۴۲۰۰ میلیارد دلار در ۱۹۹۲ افزایش یافت. سرمایه ی ملی هم اکنون بخش بزرگی از سرمایه ی جهانی را تشکیل می دهد و وابستگی آن با سرمایه ی صنعتی بیش از گذشته شده. به این معنی که برائز پدیده ی جهانی شدن واردات و صادرات، تولید چند مرحله ای، حمل و نقل، ارتباطات و فن آوری های نوین از جمله بیوتکنولوژی و غیره به تمامی و به طور تنگاتنگی به سرمایه ی مالی وابسته شده اند. در اقتصاد جهانی امروز هیچ چیزی ساخته، صادر، وارد، بیمه، تأمین بودجه یا جابه جا نمی شود مگر آن که سهم برتر از سود آن را سرمایه مالی برده باشد.

توسعه سرمایه های مالی و تمرکز آنها در جهان به اقدام های غیر قابل تصویری منجر شده است. از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ تعداد اقدام ها و تملک شرکت ها از ۱۱/۳۰۰ به ۲۴/۶۰۰ یعنی بیش از دو برابر افزایش یافته است.

بر اساس آمار ارایه شده توسط سازمان ملل، فروش ناخالص شرکت هایی مانند جنرال موتور، فورد، میتسویشی، شل، اکزون، وال مارت و بسیاری شرکت های دیگر از تولید ناخالص داخلی بسیاری کشورها بیش تر شده و در درآمد ناخالص داخلی کل قاره آفریقا کم تر از فروش شرکت هیتاچی شده است.

جهانی شدن اقتصادی، زندگی بشر را مورد مخاطره جدی قرار داده است. برای نمونه، عدم پایداری به توسعه ی پایدار و تخریب محیط زیست برای تأمین حداکثر سود به تنهایی کافی بوده تا

کوهی زمین را در معرض خطر نابودی قرار دهد و به همین دلیل بزرگ‌ترین سازمان‌های مدافع حفظ محیط زیست هم اکنون در صف نخست مبارزه علیه جهانی شدن قرار گرفته‌اند. آمارها هم چنین حکایت از آن دارد که در اثر جهانی شدن، شکاف‌های طبقاتی به طرز وحشتناکی رو به گسترش است و نابرابری جهانی که به طور مستمر در سده‌ی گذشته ادامه داشته، در این دوره شتاب گرفته و نسبت توزیع درآمد بین کشورهای غنی و فقیر طبق این الگوی تغییر کرده است:

در سال ۱۸۲۰ این نسبت بین کشورهای ثروتمند و فقیر ۳ به ۱ بود (یعنی ثروت کشورهای ثروتمند ۳ برابر کشورهای فقیر بود). در ۱۹۵۰ این نسبت به ۳۵ و در ۱۹۷۳ به ۴۴ و در ۱۹۹۲ به ۷۲ برابر رسید.

آمارهای گسترش فقر نیز وحشتناک است. حدود ۱/۳ میلیارد نفر در سطح جهان از حق دسترسی به آب سالم محرومند. از هر ۷ کودک، یک کودک به مدرسه نمی‌رود و بیش از ۸۴۰ میلیون نفر از سوء تغذیه در رنجند. تخمین زده می‌شود که ۱/۳ میلیارد نفر با درآمد کم‌تر از ۱ دلار در روز زندگی می‌کنند.

بر طبق گزارش سازمان ملل، سرمایه‌گذاری خارجی باعث افزایش نقش زنان در نیروی کار شده. اما باید توجه داشت که این به قیمت افزودن ساعات کار زنان تا ۱۰ ساعت در روز بدون پرداخت دستمزد اضافی ایجاد شده است. افزایش نیروی کار زنان در چند سال اخیر بیش‌تر در بخش اقتصاد غیررسمی بوده است. و بیش‌تر این مشاغل زیر سطح استاندارد و بیش‌تر پاره‌وقت و یا به صورت کار در خانه است و حقوق آنان هم بیش‌تر به صورت غیررسمی پرداخت می‌شود تا راه برای تقلب در میزان ساعت کار و دستمزد، باز باشد.

از مهم‌ترین ویژگی‌های جهانی شدن سلطه‌ی مجتمع‌های غول پیکر بر اخبار و رسانه‌ها است. تصور کنید که شرکت تایم وارنر با ده‌ها روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه‌ی جهانی مانند تایمز، نیویورک تایمز، فاینانشل تایمز، نیوزویک و غیره، سی. ان. ان بزرگ‌ترین مجتمع تلویزیونی و خبری جهان، آمریکن آن. لاین بزرگ‌ترین سرویس دهنده اینترنتی در آمریکا و جهان، کمپانی والت دیسنی که معرف حضور همه هست، کمپانی مک گراهیل بزرگ‌ترین ناشر علمی جهان و ده‌ها رسانه‌ی آمریکایی، اروپایی و جهانی در مالکیت سهام‌داران واحدی درآمده باشند. این هیولا در حال گسترش باز هم بیش‌تری باشد. همین سلطه‌ی مجتمع‌های غول پیکر بر اخبار و رسانه‌هاست که مانع از بخش اخبار واقعی در سطح جهان و دست‌یابی مردم به واقعیت‌ها و آگاهی از خواب‌هایی است که اینان برایشان دیده‌اند. از خورد بپرسید تاکنون چه میزان از مصوبه‌های سازمان تجارت جهانی را که هر کدام بر سرنوشت ما تأثیر بسیار جدی می‌گذارد و

خبر برگزاری هر جلسه‌ی آن از مدت‌ها پیش و با آب و تاب در رسانه‌ها اعلام می‌شود، شنیده‌اید تا به‌عق این خفقان جهانی پی ببرید. امروز همه‌ی ما در پشت دیوار رسانه‌های قدرتمند جهانی مجوسیم و دستیابی به اطلاعات صحیح سیاسی و اقتصادی، کاری تخصصی شده است.

روندهای حاکم بر اقتصاد سیاسی جهان به‌گونه‌ای است که همه چیز را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و سیاست‌های جهانی را تابع متغیرهای خود می‌سازد که با شکل‌گیری نسبی مرکز و حاشیه‌ی جابه‌جایی و تغییرهای جدی در عرصه‌ی سیاسی رخ می‌دهد. هم‌اکنون اولویت‌های سیاست خارجی در آمریکا بسیار بیش‌تر از گذشته به‌ضرورت‌های داخلی وابسته شده است. برای نمونه، جنگ افغانستان نه به‌مخاطر زدودن آثار حاکمیت مرتجعی مانند طالبان و نه دستیابی به نفت و گاز و یا یکی دو میلیارد دلار بودجه‌ی سالانه احتمالی آینده‌ی آن، بلکه برای ایجاد زمینه‌سازی لازم برای فایز آمدن بر بحران اقتصادی داخلی آمریکا سازمان داده می‌شود. شاید برای نمونه، تنها ذکر این نکته کفایت کند که در بجهوه‌ی جنگ افغانستان پروژه‌ی ۲۰۰ میلیارد دلاری جنگ ستارگان جمهوری خواهان، به‌تصویب کنگره رسید و این در حالی بود که ابلهانه بودن آن بیش از هر زمان به‌اثبات رسیده بود. افغانستان کجا اهمیت هزاران میلیارد دلاری را دارد که به‌برکت به‌اصطلاح آزادی آن نصیب شرکت‌های نظامی آمریکایی و کنترل بحران اقتصادی همه‌جانبه داخلی شد؟

آیا جنگ تازه‌ای را که بوش و راست‌های افراطی متحد آن علیه کشورهای مختلف جهان از جمله کشور ما با شعار «آزاد کردن مردم» وعده‌ی آن را به شرکت‌های تولیدکننده‌ی تجهیزات نظامی می‌دهند و با تبلیغات عظیم به کمک توانمندی‌های افسانه‌ای رسانه‌هایشان در صدد راه‌اندازی آن هستند، می‌توان جز اقدامی خودسرانه و جنایتکارانه علیه بشریت و برای حفظ و گسترش منافع شرکت‌های جهانی قلمداد نمود؟

اگر جهانی شدن و روندهای حاکم بر آن به‌درستی شناخته شوند. نه تنها هیچ‌گاه به‌دام آزادی کاذب و این نجات‌دهنده‌های دروغین نمی‌افتیم، بلکه متوجه می‌شویم که تلاش برای دگرگونی روندهای جهانی، و ایستادگی در مقابل این حملات ضد انسانی نه با تکیه بر شعارهای دهه‌های قبل، بلکه با سازوکاری تازه و شیوه‌هایی نوین قابل پی‌گیری است. دیگر نمی‌توان داعیه آزادی‌خواهی داشت و جهانی‌بیندیشید. و نمی‌توان ملی باقی ماند مگر آن‌که جهانی مبارزه کرد. محدود ساختن سیاست‌ها در عرصه ملی چشم ما را در مقابل تحولات می‌بندد و ما را به‌خطاهایی مهلک رهنمون می‌سازد.

هم‌اکنون جنبش‌های ضد جهانی شدن، مبارزه‌ای عظیم و جهانی را برای توقف روند نظامی کردن جهان برپا داشته‌اند. باید به‌صاف مبارزه جهانی علیه جهانی شدن که امروز پرچم صلح را برافراشته بیوندیم و در مقابل جنگ‌اندیشان و جنگ‌افروزان در هر کجا و در هر لباسی بایستیم.